



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعید افغانی د سولی او تفاهم، نشراتی ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگي و نشراتی ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعید افغانی: آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگي او نشراتی ارگان ته بڼه راغلاست!



تاریخ نشر: یکشنبه ۲۸ جولای ۲۰۱۳ - هالند

حکایت ۲۰۴

در میخانه ببستند خدایا میسند

که در خانهء تزویر و ریا بگشایند

« حافظ »

لطف حق

راوی این حکایت شیخ فرید الدین عطار نیشابوری است ولی اگر مقصود از شخصی که وی بنام « ابوالقاسم » و صفت « شیخ الاکابر » یاد کرده، به طوریکه دولشاه سمرقندی نیز در تذکره الشعراء نوشته شیخ ابوالقاسم عبدالله بن علی بن عبدالله طوسی گرگانی عارف مشهور باشد، صحبت حکایت مورد تأمل است زیرا شیخ ابوالقاسم گرگانی در سال (۳۸۱) وفات یافته در صورتیکه

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

فردوسی بسال (۴۱۱) یا (۴۱۶) بنا بر اختلاف روایات در گذشته است ، بهر حال اصل حکایت همچنانکه شیخ عطار در اسرار نامه بنظم آورده است نقل میشود .

شنیدم من که فردوسی طوسی
که کرد او در حکایت بی فسوسی
ببیست و پنج سال از نوک خامه
همی پرداخت نقش شاهنامه
بآخر چونکه عمرش شد بآخر
ابوالقاسم ، که بد شیخ الاکابر
اگر چه بود پیری پر نیاز او
نکرد از راه دین بروی نماز او
چنین گفت او که فردوسی بسی گفت
همی در وصف گبر ناکسی گفت
بمدح گبرکان عمری بسر برد
چو وقت رفتن آمد بی خبر مرد
مرا در کار او برگ ریا نیست
نماز بر چنین شاعر روا نیست
چو فردوسی مسکن را ببردند
بزیر خاک تاریخش سپردند
همانشب شیخ اورادید در خواب
که پیش شیخ آمد ، دیده پر آب
ز مرد رنگ تاجی سبز بر سر
لباس سبز تر از سبزه در بر
به پیش شیخ بنشست و چنین گفت

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

که ای جان تو با نور یقین جفت
نکردی آن نماز از بی نیازی
که می ننگ آمدت زین نانمازی
خطم دادند بر فردوس اعلی
که فردوسی بفردوس است اولی
خطاب آمد که ای فردوسی پیر
اگر راندت زپیش آن طوسی پیر
مشو نومید از فضل الهی
مده بر فضل ما بخل گواهی
یقین میدان چوهستی مرد اسرار
که عاصی اند کست و فضل بسیار
گر آمرزد بیک ره خلق را پاک
نیامرزیده باشد جز کفی خاک
پذیرفتم منت تا خوش بختی
بدان یک بیت توحیدم که گفתי

مقصود از آن یک بیت توحید بنا بروایت دولتشاه این بیت است :

« جهان را بلندی و پستی تویی
ندانم چه ای ، هرچه هستی تویی»
سلسله این حکایات ادامه دارد ...

www.24sahat.com

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی